



امیر رجبی / ایران

وقت خیابان را بهم ریخته است. دختر جوانی که پرونده هرمزی زیر بغل دارد کنار خیابان منتظر رسیدن دیگر است. بهم به همراه یک کارمند دیگر شش ماه است از یک آژانس هواپیمایی در جردن به خاطر نبود مشتری اخراج شده و حالا در خانه کار می کند تا مجبور نباشد از پدر وام ببرد؛ تازه که فعلاً هیچ مدرسه ای برای دخترش پیدا نشده. سکایت کردم و الان آدمهای اول کشی بیمه را حل کنم بعد بروم دنبال بیمه دیگری، «او» در سایت های کاریابی هم رزومه داده اما تا امروز خبری از کار نشده و فعلاً مجبور است در خانه کار کند تا خرج و مخارجش را در بیاورد. در راه برگشت به قدم لزان سعید و مرصیه در انتهای کوچه فکر می کنم. به نگرانی آنها از آینده که غبار آلودتر از همیشه به نظر می رسد.

مشکلات سامانه هم خیلی از آنها را  
آذیت می‌کند. باید برپوند و ببیند و  
هزینه پرداخت کند که آیا در نهایت  
به پولشان برسد یا نه. بعضی از  
همکاران ما هم با اینکه می‌دانند  
بعضی برپوندها فرجام خوبی ندارد  
از ناآگاهی کارگر استفاده می‌کنند و از  
هردام ۲ تا ۳ میلیون پول می‌گیرند و  
آخر هم گاهی به شش ماه تبعی  
هیچ... او از مشکلات سامانه که تجربه  
خودش هم پیش آمده می‌گوید که  
او از بارگذاری مدارک و ناآشنانه  
وقتی می‌خواسته وارد دادگاه شود  
جلویش را گرفتند... (با اینکه سامانه  
به من شماره پیگیری داده بود اما در  
دوره می‌گفتند چیزی پید نمی‌کنند)...  
چهارم هم برآمد جلوی در که صدای  
درباره‌های دو پیرمرد که تازه از اداره  
بیرون آمده‌اند آرامش و خلوتی از آنها را

توضیح می‌دهد که بیشترین مراجعه درخواست کنندگان بیمه یکبارگی هستند. او از دعوای هر روز و به‌زمن زن مردم عصبانی تعریف می‌کند: «مردم خیلی عصبانی شده‌اند. دست کارگران به جایی بند نیست و به همه‌دیکر خراش می‌کنند.»

زنی که با مانضو اتو کشیده و مرتب کنار دریاستند خودش را کارشناس روابط کار معرفی می‌کند. او توضیح می‌دهد هزینه‌های ثبت در سامانه و بقیه مسائل اداری چیزی است از توان یک کارگر بیکار بی‌گسست: «اگر کسی از کار بیکار شده اقتدر پول ندارد که برود کافی نت از همه مدارکش اسکن بگیرد که هر دانه‌اش ۳۰۲ هزار تومان می‌شود. برای پرینت بانکی هم باید ۲۰۰ هزار تومان پول بدهند. در کنار این هزینه‌ها و رفت و آمدها،

نمی‌آید. در واقع صحبت کردن از  
فصلنامه اجتماعی در اداراتی از این  
پنج دسته بیشتر به شوخی می‌ماند.  
دختر مشغول کار و بیداد هستند.  
یکی از آنها توضیح می‌دهد که همگی  
آرایشگر هستند و بعد از کرونا اخراج  
شده‌اند؛ «بیمه ما رد نشد و الان  
به‌خاطر کرونا ما را اخراج کرده‌ام  
کارفرما مردن نمی‌گیرد. بیمه پنج-  
سال کار ما را سه ماه رد کرده و حالا  
۲۰ میلیون سفته هر کدام ما را گذاشته  
اجرا»  
نقدار عصبانی هستند که همه چند  
تقدیر از آنها فاصله می‌گیرند. بخش  
«میز خدمت» حسابی پر است و  
هر کسی از یک سمت سوالات مطرح  
می‌کند. وکلا و کارمندان هم بین  
مردم رفت و آمد می‌کنند تا شاید  
گرمی بیاید. یکی از کارمندان

خنده رو به من می‌گوید: «آقا بنویس همه چی گل و بلبل است، پول هم خواستی بگو خودم می‌دهم. اینجا آمده‌ای چکار؟ این همه نوشتی؟ شد؟ کی گوش می‌دهد؟» او توضیح می‌دهد که بیشتر آدم‌هایی که اینجا می‌آیند سوار کوچکی دارند و بیشتر می‌آیند قواین را از نمی‌شناسند. برای همین یک پیامک آنها را به اینجا می‌کشد. همین طور که حرف می‌زنیم مردی رنگ پریده از در بیرون می‌آید. ماسکی به صورت ندارد و آنقدر پریشان است که نمی‌شود به نقدش پرداختن کاری داشت. قاسم کارفرما بوده و در روزگار خوش گذشته در میدان ولیعصر (ع) دفتری داشته و در کار تولید غذا بوده است. حالا با کم شدن مشتری از کرنا در مغازه را بسته و مقرر است از بیرون کرده: «مردم هم بیکار شدم و حالا ول می‌گردم و حمالی می‌کنم. صبح تا شب. هر کاری بگویی می‌کنم اسنپ، پیک موتوری...»

دلیل خوروش شکایت یکی از کارگران از اوست: «همه حق و حقوقش را داده بودم اما باز شکایت کرده و اینجا هم که دانسم می‌گویند حق با کارگر است. محکوم کرده‌ام ۲۶ میلیون بدهم، ولی من هم اسناد و مدارک پرداختی را همراهم دارم. کاش به فکر من کارفرما که خودم هم بیکار شده‌ام، بودند.» قاسم تعریف می‌کند که بعد از بستن در مغازه حالا مجبور است ۱۸ میلیون به اداره دارایی بدهد و خسارت‌های دیگری از این دست.

اداره اخلاقی که خلوتر می‌شود وارد می‌شوم. همه ماسک به صورت دارند اما با این ازخام و رفت و آمد، حتی با ماسک هم جای امنی به نظر

زند و بهانه فرزندش را می‌گیرد که چند خیابان بالاتر دو ماشین منتظر مانده. سعید می‌گوید: «مشکل» این است که بعد از کرونا همه جا تعطیل شد. مهدکودک که همسرم در آن کار می‌کرد هم یکی از آنهاست. مهدکودک در سعادت آباد بود و بعد از کرونا و ترس مردم کل تعطیل کرد.» رفت.» مرضیه آدام حرف را می‌گیرد: «آنجا نیروی خدماتی بودم، اما دیگر نه کار هست، نه بچه‌ای که درمهد باز بماند. من کارمندی هم دارم و دنبال کار هستم اما پیدا نمی‌شود. الان آدامم بپگیری کنم و سابقه بیمه و پول بیمه بیکاری‌ام را بگیرم.» سعید و همسرش در آدام به اداره را مشکلات هستند دلیل می‌دانند که خوشستانی هاستان اینترنیتی که گریه کرد به باعث شده هر بار مرخصی بپایان و به اینجا بیایند: «دائم می‌گویند مشکل فنی داریم. برای اداره تشخیص چند بار رفتیم و آدام، برو بلاغیه بگیر می‌فرمایم یا چرا آخر همه رفت و وضعیت کرونا باید این خرابی است و آدام کنیم» او که تحصیلات کارخانه آرد است از حقوق ۳ میلیون می‌گوید که تا پیش از کرونا بعلاوه ۲ میلیون حقوق و همسرش باز بسختی کفاف زندگی و اجاره ماهی یک میلیون ۸۰ هزار تومان و دو کودکشان را می‌داد: «دیگه نمی‌شود با این وضعیت ادامه داد بالاخره یا یک بلایی سر خودم می‌آورد یا سر همسرم. هر روز که می‌آورد یا باز جنس ۲۰ تا ۳۰ درصد گران می‌شود.»

کارگر و کارفرما در صفی بلند بیرون  
داره تعاون، کار و رفاه اجتماعی تهران  
به‌دوش به دوش هم ایستاده‌اند؛ همه  
با ماسکی روی صورت و پرندانه، همه  
یر بغل و اغلب نیز منتظر و عصبی.  
بعضی با خاواده آمده اند، همسری  
منتظر در ماشین یا مادری تکیه  
نموده به موتورسیکلت یا ماسکی روی  
صورت کودکش. بیشتر آنها را کرونا  
بیمار کرده و حالا باید در این جمعیت  
نگذاتگ هم دنبال حقوق بیکاری و  
ارواهی اداره تعاون، کار و رفاه  
اجتماعی شمال شرق تهران باشند.  
چند کارشناس روابط اداری هم با  
کارت ویزیتی در دست، آن اطراف  
هرسه می‌زنند تا از این پر از ویروس  
مکان بگریزند.

ساعت از ۱۱ صبح گذشته که به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خیابان یوروموسای تهران می‌رسم، جایی که بیمارستان شلوعی را زیست سری می‌گذارد. مردم در صف‌هایی که هر لحظه فوته‌تر می‌شود داخل اداره می‌روند و نفیس بریده از زائله و ماسک، بیرون می‌آیند تا ابلاغیه دیگر و پیامکی که محتوای آن کمی عجیب‌تر است: «برای توضیح مجرب‌تر دوباره برگردند. سعید و همسرش مرضیه از اداره کار تهران می‌آیند و از چپ‌ها به بیرون پشانی‌شان پیداست که به جواب نرسیده‌اند. خواهش می‌کنم که به جواب می‌شوم تا روایت سرگردانی آن دو را بشنوم. سعید که پانپستی‌اش شد و شلوار پارچه‌ای رنگ و رو رفته‌ای به نذر دارد از اخراج مرضیه از مهد کودک می‌گوید. مرضیه هم حرفی می‌

**یک جدول با دو شرح** جدول روزنامه‌ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداخل حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

ی نزدیک «زنجان» - کشوری  
 (بقا) - آشکارا  
 ایالینلیز (۲۰۲۰) - غذا و خواربار - خواست  
 ک ریسمس - تشریفات مربوط به یک مراسم  
 بارجه فروشی  
 اعترانه - تارک دین - امیدواری - شهری در  
 رنده - سرپرستار - نشانه فعلی جمع  
 که تحت عنوان معینی نوشته شده باشد -  
 ابیت شخصی و عامل جذب افراد  
 ششم - کشور آسیایی - درست نویسی  
 نویسنده (شاعرزاده و گدا) - بیرون آمدن  
 می از جیب با فشار  
 گرامرهای - ارتباط مالی بین بانکی

۷- قاره «آ»  
۸- زور، سرمربی «ویارنل»  
خداوند، شورو، مشورت، سخن  
۹- در  
باشکوه  
۱۰- راه  
«فرانسه»  
۱۱- اصل، «ایالت «ماگتولیا»  
از  
۱۲- مه  
نیروی  
۱۳- گل  
۱۴- آب یا ه  
۱۵- ات، سرعت  
آشنا، سیم

۱۰- نشانی «اکرم»  
«ستایش»  
۱۱- ضد «معنوی» -  
۱۲- یاقوت سرخ - جیب  
۱۳- آنکه در درس دیگری  
بی‌عمل  
۱۴- اثری دینی و تاریخی و  
عمومی:  
۱- مواد خوراکی ترنبین  
۲- آب و رزق - لوگي -  
۳- توانایی - مزده من  
است  
۴- اسدگی - کلاف  
۵- نشانه من - مصدر -  
۶- مایه - رود «روسه»

۱- افقي: جدول عادي  
 ۲- بت جاهليت - سلاخ بار درويش - سو  
 ۳- آزي عرب - دلاخ باب (مکيه)  
 ۴- عکس العمل - مرواړي - ستاخ مو  
 ۵- دشمن زائوا - اشاره بهدور - خویش  
 ۶- پرو ماري - صادي اردک  
 ۷- احصايعي - جنه - ستمی از هواپي  
 ۸- تيره - خاشامن - سگ معدي  
 ۹- سربسزيرين پايختخ ارويا - رفت  
 ۱۰- زير زميني  
 ۱۱- زور کارها - نام دخترانه - درخت کتا  
 ۱۲- کوسفند جنگي - نام اوليه کوبه ماد  
 ۱۳- صدمه - شهي در ارستان (ارديبل)  
 ۱۴- خنده اى - از علامت اصلي مبتلا  
 ۱۵- صحيح - مرز اباليات برتويان افري  
 ۱۶- آوازي در آخافشاري - پرده کوچ  
 ۱۷- زن صالح و فاضلي - فريده شوم  
 ۱۸- خويستان - مارکي بر کوشي شومش  
 ۱۹- نوعي عيبى طبى آفتابى - تنها  
 ۲۰- خون ندارد - شومش

[illegible]


۱- نر صالح و منعی فرسوس شهری در اسل  
«خوزستان»- مارگری بر کوشی هوشمند  
۱۵- نوعی عینک طبی آفتابی- تنها قسمت بدن که  
خون ندارد، ... چشم است

▼ عمودی:

۱- هافیک «برسپولیس» که همین شهر یور ماه به این  
تیم پیوست- بخش معینی از یک نوشته  
۴- باغ، بهار- قایق مسافیه- وجود دارد  
۳- کبسه کش- در یافتن- تخته شیرجه  
۵- کلیسایی با قدمت بیش از هجده قرن در «ارومیه»-  
حزب سیاسی

۵- پراگندگی- ضمیر مخاطب- پنجره رو به حیات  
۶- آب- عقاید شمردنی- بازسازی- انس گرفتن  
۷- آشیانه- شهر «هند»- خانه قانونی  
۸- عذاب و شکنجه- دیشب- زیان و خط لاین  
۹- همچنین- بدنام- پرندهای کوچک  
۱۰- تاسکی- پر جمعیت- روانه- دستور- کلمه شگفتی  
۱۱- پارچه ابریشمی- وسط- عبودیت  
۱۲- نان گلفت خوشمزه- وسیله ایمنی امروز در  
برخی از خودروها

۱۳- منوله شده- مرحله دوم عمل تنفسی- اکنون  
۱۴- انزان- رزمایش- زد و بند  
۱۵- مشهورترین سوغاتی صنایع دستی «بوشهر»- گریه  
زورگی

اقتی: 

**جدول ویژه**

- ۱- خواهرزاده «میرعماد» خوشنویس- مرکزآیالت «کالیفرنیا»
- ۲- ماندگی - مخطوط - خطر رهنشدار
- ۳- طرح سازمانی- ترویج دهنده- ضد «همگرا»
- ۴- واحد- مساوی عامی- فیلسوف یونان قدیم
- ۵- جنس به ظاهر قوی!- فرصت- حربه دسته دار- از عیاد و پیتنها ها
- ۶- پرچم گل- بست فطرت- کویر معروف
- ۷- نوپیدایی- ناپاک- بسیار بزرگ
- ۸- رایگان- فلز سنگین- انس دادن
- ۹- بازیگر «داش آکل»- آجی- سرین و کفل
- ۱۰- فاقد استحکام- بی نیک- بچه در شکم مادر
- ۱۱- هنوز بیگانه- آبارتمان زنبور عسل- موبدا-

The figure displays two 16x16 magic squares. The left square is labeled 'حل جدول ویژه شماره ۷۴۷۳' and the right square is labeled 'حل جدول عادی شماره ۷۴۷۳'. Both squares contain numbers from 1 to 16 in a grid pattern.

**جدول سودوکو** | ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ یکبار دیده شود

### متوسط

				۹	۳	۴		
۲		۶						
	۹	۴	۵					
۶		۲		۱	۷	۵		
۵	۸		۹		۲		۴	۱
		۳	۸	۴		۲		۶
					۹	۸	۶	
						۷		۳
		۵	۴	۳				

### آسان

۳		۱			۵			۸
	۵		۲	۷	۸	۹		
	۲	۹				۷		
		۵		۴				۲
۶	۴						۸	۹
۲				۸		۳		
		۸				۶	۴	
		۲	۱	۶	۴		۳	
۱			۸			۲		۷

### خیلی سخت

				۶		۴		
					۴		۲	
			۸			۵	۹	
۱				۳				۴
		۳	۷	۸	۵	۱		
۶				۹				۸
	۵	۱			۷			
	۹		۲					
		۲		۱				

### سخت

۱					۸			۳
	۶						۵	۸
		۳				۶		
			۲				۳	۶
	۲		۶	۵	۹		۴	
۴	۱				۷			
		۱				۹		
۶	۵					۷		
۷			۸					۵

### بسیار آسان

۵	۳	۷	۱	۸	۶	۸
۸	۸	۶	۵	۸	۳	۷
۸	۷	۶	۸	۳	۱	۵
۷	۸	۸	۱	۳	۵	۶
۳	۱	۵	۷	۸	۸	۳
۳	۵	۸	۸	۷	۸	۱
۳	۵	۸	۷	۸	۱	۳
۱	۸	۷	۳	۸	۶	۵
۸	۸	۳	۶	۱	۷	۵

### بسیار سخت

۵	۳	۷	۱	۸	۶	۸
۸	۸	۶	۵	۸	۳	۷
۸	۷	۶	۸	۳	۱	۵
۷	۸	۸	۱	۳	۵	۶
۳	۱	۵	۷	۸	۸	۳
۳	۵	۸	۸	۷	۸	۱
۳	۵	۸	۷	۸	۱	۳
۱	۸	۷	۳	۸	۶	۵
۸	۸	۳	۶	۱	۷	۵

### بسیار آسان

۵	۳	۷	۱	۸	۶	۸
۸	۸	۶	۵	۸	۳	۷
۸	۷	۶	۸	۳	۱	۵
۷	۸	۸	۱	۳	۵	۶
۳	۱	۵	۷	۸	۸	۳
۳	۵	۸	۸	۷	۸	۱
۳	۵	۸	۷	۸	۱	۳
۱	۸	۷	۳	۸	۶	۵
۸	۸	۳	۶	۱	۷	۵

### بسیار سخت

۵	۳	۷	۱	۸	۶	۸
۸	۸	۶	۵	۸	۳	۷
۸	۷	۶	۸	۳	۱	۵
۷	۸	۸	۱	۳	۵	۶